

## راز جسد در حال سوختن یک زن برملا شد

# خواهرکشی زن شیشه‌ای در شب مهمانی!

های تاریک این معمای پیچیده جنایی شده بود، بی درنگ دستور درج خبر و تصویری از بقایای مشخصات و لباس های مقتول در روزنامه خراسان را صادر کرد تا شهروندان برای شناسایی سریع تر هویت مقتول قبل از انجام عملیات تشخیص هویت به یاری پلیس بیایند. این گونه بود که روز پنج شنبه گذشته خبری باعنوان جسد در حال سوختن،ماجرای یک جنایت رافاش کرد که به همراه تصویری از مقتول در صفحه حوادث روزنامه خراسان به چاپ رسیدوتلاش کارآگاهان نیز بادستورات محرمانه قضایی برای کشف راز این جنایت واردمرحله جدیدی شد. بنابر این گزارش، روز گذشته رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی در باره چگونگی شناسایی و دستگیری عاملان این جنایت وحشتناک به خراسان گفت: ساعتی بعد از کشف جسد، گروهی تخصصی از کارآگاهان اداره جنایی با هدایت مستقیم سرهنگ سلطانیان (رئیس اداره جنایی) وارد عمل شدند و با بررسی دوربین های مدار بسته توافیکی و همچنین دیگر شیوه های فنی و اطلاعاتی به ردیابی عاملان رسیده و پرونده های جنایی ادامه یافت. جسد مربوط به زنی حدود ۶۰ تا ۶۵ ساله بود که پارچه پردای به دور سرش پیچیده شده وچسب نواری پهن اطراف آن گره خورده بود. کلاه کشی سفیدرنگی نیز درون دهان زن میان سال قرار داشت که نشان می داد عامل یا عاملان جنایت، او را خفه کرده اند.از سوی دیگر نیز لباس های منزل وتیشرت نیمه سوخته با نوشته های لاتین بیانگر آن بود که جنایت در یک منزل مسکونی رخ داده و سپس عاملان این قتل فجیع، جسد را به محل کشف انتقال داده ورها کرده اند.

گزارش خراسان حاکی است قاضی «عارفی راده» که براساس تجربیات قضایی وارد دالان

تلفنی، بی درنگ کارآگاهان با هماهنگی ها و کسب دستورات قضایی وارد عملیات شدند و با شناسایی محل سکونت مهین معروف به «سیمین»، تحقیقات گسترده ای را در این باره آغاز کردند. رئیس پلیس باتجربه آگاهی خراسان رضوی ادامه داد: بررسی های نامحسوس نشان داد که اوجوددوروز قبل از کشف جسد، در منزل خواهرش واقع در خیابان آیت...عبادی مهمان بود. به همین دلیل کارآگاهان خواهر کوچک تر سیمین را دستگیر کردند و با دستورات ویژه قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد منزل وی را مورد بازرسی قرار دادند. با کشف بقایایی از پارچه ها و نوار چسب هایی که دور سر مقتول پیچیده شده بود، مشخص شد که جنایت در منزل خواهر ۴۵ ساله مقتول صورت گرفته است بنابر این کارآگاهان با استفاده از راهنمایی مقام قضایی به اسناد و مدارک



تصویر جسدی که به آتش کشیده شد

دیگری نیز دست یافتند و در ادامه این زن ۴۵ ساله را که معصومه نام دارد، مورد بازجویی های فنی قرار دادند. این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: زن ۴۵

ساله که اعتیادشدیدی به موادمخدر صنعتی از نوع شیشه دارد، در ابتدا سعی می کرد خود را بی خبر از ماجرای قتل خواهرش نشان دهداما وقتی در برابر اسنادو مدارک انکارناپذیر قرار گرفت، لب به اعتراف گشودو گفت: شوهرم در یکی از کارخانه های نوشابه کار می کندو درآمدش برای تامین هزینه های زندگی کافی نبود چرا که اوزن دیگری را هم به عقد خودش درآورده و باید مخارج او را نیز می پرداخت. از سوی دیگر هم من به موادمخدر اعتیاد دارم و این پول ها کفاف تامین هزینه ها را نمی دابه گونه ای که خواهرم (مقتول) مخارج تحصیل دخترم در دانشگاه را می پرداخت تا مشکلی برای ادامه تحصیل نداشته باشد. «سیمین» بعد از مرگ همسرش به عقد موقت جوانی دیگر درآمده بودو همه حقوق ودرآمدش را برای همسرش هزینه می کرد و من از این موضوع بسیاررنج می کشیدم که چراه اندازه ای که برای آن جوان خرج می کند به من پول نمی دهد؟ این افکار در ذهن رژه می رفت تااین که خواهرم دوشب قبل از قتل به خانه من آمدو مهمانم شد. او را نصیحت کردم که پول بیشتری به من کمک کنداولی او چیزی نگفت تا این که شب دوم مهمانی، قرص هایی تهیه کردم وبه او خوراندم. وقتی خوابید، او را با پارچه و چسب نواری پهن خفه کردم و دست و پاهایش را با همان چسب ها بستم سپس به برادر و مادرم زنگ زد م که در نزدیکی منزل من زندگی می کنند. به آن ها گفتم «سیمین» را کشته ام اگر نپایید، جسد او را ببرید، تکه تکه



عکس ها اختصاصی از خراسان

اش می کنم و بیرون می اندازم! وقتی تماس را قطع کردم خیلی زود برادر و مادر پیرم که ۸۰ سال دارد، از راه رسیدند و با کمک آن هاجسد را در صندوق عقب یک پراید (مسافر کش) گذاشتیم. من هم از قبل یک ظرف ۴ لیتری بنزین آماده کرده بودم که آن را با خودم برداشتم و بدین ترتیب جسد را به خیابان ارشاد آوردم. با کمک مادر و برادرم جسد را در کنار فضای سبز انداختیم و من هم بار یختن بنزین، جسد را به آتش کشیدم و از محل گریختیم که چند روز بعد هم دستگیر شدم و ...

سرهنگ کارآگاه شفیع زاده خاطر نشان کرد: در پی اعترافات این زن ۴۵ ساله، بلافاصله عملیات دستگیری مادر و برادر وی نیز آغاز شدو ساعتی بعد آن ها با دستور مقام قضایی به دام افتادند. رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی باقبردانی از همه عوامل کشف جرم وبه ویژه دستورات قاطعانه مقام قضایی اضافه کرد: هنوز زوایای پنهان زیادی در این پرونده جنایی وجود دارد که بررسی های تخصصی کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ نوریان (افسر پرونده) همچنان ادامه دارد و جزئیات بیشتر ماجرا بعد از ریشه یابی دقیق این جنایت هولناک اطلاع رسانی خواهد شد.

### فرمانده مرزبانی انتظامی کشور خبر داد

## کشف ۳۷ سلاح جنگی وینچستر در یک روستای مرزی

مهمات را در یکی از روستاهای مرزی منطقه شناسایی کردند و موفق به کشف و متلاشی کردن باند قاچاق سلاح شدند. نوار مرزی، مرزبانان هنگ مرزی ارومیه با اقدامات کنترلی و اطلاعاتی مؤثر، مخفیگاه دو نفر از عاملان اصلی قاچاق سلاح و مهمات

احمد علی گودرزی افزود: در راستای طرح انسداد مرز و جلوگیری از قاچاق در مرزبانان غیور استان آذربایجان غربی در هنگ مرزی ارومیه خبر داد. به گزارش ایرنا به نقل از پلیس، سردار

فرمانده مرزبانی انتظامی کشور از متلاشی شدن باند قاچاق سلاح جنگی توسط مرزبانان غیور استان آذربایجان غربی در هنگ مرزی ارومیه خبر داد. به گزارش ایرنا به نقل از پلیس، سردار

## ۱۰ کشته و ۵ مجروح در تصادف زنجیره ای محور اهواز – خرمشهر



هموطنان خواهد رسید.

■ **اعلام یک روز عزای عمومی در شادگان** فرمانداری شادگان در پی سانحه دلخراش

### ریزش آوار در پردیس ۲ کشته و ۳ مصدوم به جا گذاشت

سرپرست اورژانس تهران گفت: ریزش آوار در پردیس دو کشته و سه مصدوم به جا گذاشت. یحیی صالح طبری در گفت و گو با مهر افزود: حوالی ساعت ۱۹ جمعه شب گذشته گزارش مبنی بر ریزش آوار از طبقه ششم ساختمان در حال ساخت که در مرحله بتن ریزی سقف بوده است، در فاز یک پردیس به مرکز ۱۱۵ اورژانس تهران اعلام شد. وی ادامه داد: بلافاصله یک دستگاه اتوبوس آمبولانس، سه دستگاه آمبولانس و یک دستگاه موتور لانس به محل حادثه اعزام شد. به گفته وی، متأسفانه در این حادثه دو نفر جان باختند و سه نفر مصدوم شدند که از این تعداد دو نفر به بیمارستان تجریش انتقال یافتند و یک نفر در محل در مان شد.



**تو کلی/** سرهنگ سلیمانی معاون عملیات فرماندهی انتظامی استان کرمان از پاسخ گویی ماموران واحد ۱۱۰ به بیش از یک میلیون و ۳۵۰ هزار تماس از ابتدای امسال تا کنون خبر دادو افزود: از این تعداد، بیش از ۵۲۱ هزار تماس منجر به عملیات پلیسی و حضور ماموران در صحنه شده و در حوزه ارشاد راهنمایی امداد خواهان نیز بیش از ۸۳۶ هزار تماس ثبت شده است.

**\*میزان/** اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ از واژگونی سواری پژو ۲۰۶ در بزرگراه علامه جعفری و فوت راننده آن در این حادثه خبر داد.

**\*مهر/** مهدی ولی پور رئیس سازمان امداد و نجات، از امدادرسانی به هزار نفر از هموطنان در ۱۱ استان در گیر برف و کولاک از روز ۲۳ آذر تا ساعت ۷ صبح دیروز چهارم دی ماه خبر داد.

**تو کلی/** اسرهنگ اکبر نجفی فرمانده انتظامی بم از توقیف یک دستگاه تاکتر حمل سوخت با کشف ۱۸ هزار لیتر گازوئیل هنگام عبور از حوز ه این شهرستان خبر دادو گفت: در این زمینه یک متهم دستگیر و تحویل مرجع قضایی شد.

**کرمانی/** دو سانحه رانندگی در کرمان یک کشته و ۹ مصدوم به جا گذاشت. در واژگونی سواری پژو ۲۰۶ در انتهای خیابان ۲۴ آذر شهر کرمان، شش نفر مجروح شدند. همچنین تصادف دو خودروی سواری در محور یافت - سیرجان نیز یک کشته و سه مجروح به جا گذاشت. **\*ایسنا/** مقامات یونان از واژگونی سومین قایق حامل مهاجران در آب های این کشور طی مدت سه روز و کشته شدن چندین تن خبر دادند. در این حادثه که از اواخر روز جمعه گذشته در دریای اژه اتفاق افتاد، قایق حامل مهاجران واژگون شد و دست کم ۱۶ مهاجر جان خود را از دست دادند.

#### در امتداد تاریکی

#### نوجوانی که بی خودی دزد شد

پدرم اوضاع مالی مناسبی دارد و من هم از امکانات رفاهی بر خوردارم اما خودم هم نفهمیدم چرا به جای حضور در کلاس درس، دوباره به همان مرکز تجاری رفتم که قبلا ادکلن و زیورآلات را از آن جاسرت کرده بودم...

به گزارش خراسان، این ها بخشی از اظهارات نوجوان ۱۳ ساله ای است که توسط کارکنان یک مجتمع تجاری دستگیر و تحویل نیروهای انتظامی شده بود. این نوجوان دانش آموز که کوله پشتی مدرسه را در دست داشت و تلاش می کرد با داستان سرایی کودکانه چنین وانمود کند فرد دیگری او را وادار به سرقت کرده است، وقتی تصاویر خودش را در دوربین های مدار بسته دید، اشک ریزان ارتکاب سرقت را پذیرفت. او پس از پاسخ به سوالات افسر دایره تجسس و بادستور سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلانتری آبکوه) به اتاق مددکاری اجتماعی هدایت شد تا زوایای پنهان این ماجرای تاسف بار، واکاوی و توسط مشاوران زبده دایره کلانتری بررسی شود. گزارش خراسان حاکی است این دانش آموز ۱۳ ساله در باره ماجرای سرقت از مجتمع تجاری به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: پدرم کارمند یکی از ادارات دولتی است و در یکی از مناطق مرفه نشین شهر زندگی می کنیم. من هم از دوران کودکی در بهترین مدراس غیرانتفاعی تحصیل می کنم و از رفاه نسبی برخوردارم به طوری که حتی کارت عابر بانک پدرم دست من است و هر آن چه نیاز مالی دارم از حساب پدرم برداشت می کنم. با وجود این چندروز قبل وقتی از مدرسه به خانه برمی گشتم من نزدیک منزلمان از سرویس مدرسه پیاده شدم و به داخل یکی از مجتمع های تجاری در همان نزدیکی رفتم تا گشتی بزنم. در همین هنگام وقتی به لوازم پشت وپترین مغازه ها نگاه می کردم، ناگهان چشمم به ادکلنی افتاد که تبلیغات آن مارک را خیلی در فضای مجازی دیده بودم. زمانی که چشمم به آن ادکلن افتاد و سوسه عجیبی و جودم را فرا گرفت، داخل مغازه رفتم و زمانی که فروشنده با مشتریان دیگر مشغول گفت و گو بود و حواسش از من پرت شد، در یک لحظه ادکلن را برداشتم و از مغازه خارج شدم.

سپس دور دیگری در آن جاد و پشت وپترین یک فروشگاه زیور آلات نقره ای ایستادم. یک جفت گوشواره زیبا چشمم را رنیز به خواهرم که ادکلن را به راحتی برداشته بودم، احساس می کردم گوشواره ها را را هم می توانم سرقت کنم. نقشه ام در دست از آب درآمد. هنگامی که حواس فروشنده پرت شد من در یک چشم به هم زدن، گوشواره ها را برداشتم و به خانه رفتم. زمانی که ادکلن و گوشواره ها را از کوله پشتی ام بیرون آوردم مادرم با تعجب از من در این باره سوال کرد ولی من که در بین راه پاسخم را آماده کرده بودم به پدر و مادرم گفتم پدر یکی از همکلاسی هایم شرکت بزرگ تبلیغاتی دارد و این ها را برای من هدیه آورده است. درحالی که این جمله را می گفتم گوشواره را نیز به خواهرم دادم تا او را خوشحال کنم. پدر و مادرم نیز حرف هایم را پذیرفتند و چیزی نگفتند تا این که روز بعد در نزدیکی مدرسه و به بهانه خرید خوراکی از سرویس پیاده شدم. ساعت اول درس زبان انگلیسی داشتم، من هم که هیچ علاقه ای به این درس نداشتم وبه سختی آن را می آموختم، با خودم تصمیم گرفتم که دو ساعت اول را به مدرسه نروم، به همین دلیل دوباره به همان مجتمع تجاری رفتم و مشغول نگاه کردن به لوازم پشت وپترین ها شدم اما هنوز چند دقیقه بیشتر از حضور نگذشته بود که ناگهان با ماموران انتظامات روبه رو شدم. آن ها که مرا شناسایی کرده بودند با پلیس تماس گرفتند و مرا به کلانتری آوردند. خودم نیز گیج بودم ونمی دانستم چرا دست به این کار زشت زدم. به همین دلیل به دروغ گفتم خانواده ام در شهرستان هستند و فرد دیگری مرا وادار به سرقت کرده است. اما وقتی تصاویر خودم را در حال سرقت دیدم مجبور شدم حقیقت ماجرا را برای پلیس بازگو کنم و...

شایان ذکر است با حضور پدر این نوجوان در کلانتری، تلاش مشاور و مددکار اجتماعی برای بازگرداندن اموال سرقتی به شاکیان آغاز شد و...

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

### مرگ راننده در آتش سوزی اتوبوس در آزادراه تهران – پردیس

در حادثه آتش سوزی یک دستگاه اتوبوس مسافربری در آزادراه تهران پردیس، راننده جان خود را از دست داد. به گزارش شبکه خبر، بنا بر اعلام آتش نشانی، نشت گاز پیک نیک و گاز گرگتنی باعث مرگ راننده شده است. این اتوبوس به علت نقص فنی در حاشیه آزادراه متوقف شده و خالی از مسافر بود.